

جانان اسلامی طالب با حمایت آشکار دول سرمایه‌داری به قدرت

سیاسی بازگشتند!

سیر تحولات این چند سال اخیر، به ویژه توافق امریکا و طالبان که چیزی جز مهندسی و شکل دادن به «امارت اسلامی سرمایه» نیست، خود بیانگر دست‌شستن بورژوازی جهانی از پروژه دموکراتیزاسیون - امپریالیستی در افغانستان بود؛ با فروپاشی پرشتاب و باور نکردنی دولت پوشالی به رهبری اشرف غنی آن هم در ظرف چند روز، که بدون شک امریکا و متحدانش در آن نقش اصلی و اساسی بی را بازی کردند، با بازگشت مجدد و بلامنازع طالبان به قدرت سیاسی سناریوی بر پایی «امارت اسلامی» اجرائی و به واقعیت پیوست. در مناسبات کاپیتالیستی تعویض مهره‌ها متناسب به نیاز و منافع آن و جاگزینی یکی با حذف دیگری، که علی‌الرغم تفاوت در شکل مضمون واحدی دارند، بی پیشینه نبوده و نیست.

همین اکنون جهت سامان یافتن هرچه زودتر «امارت اسلامی» مطلوب سرمایه‌داری جهانی تلاش مستمر برای پیوند نیروها و فیگور هایی که همه محصول پروژه واحدی هستند، در جریان می‌باشد. اعلام «عفو عمومی» توسط سران طالبان و حضور برخی از رهبران اسلامی-قومی در پاکستان و مذاکره با دولتمردان آن، تلاشی است که زمینه هم کاسه ساختن رهبران مجاهدین، تکنوکرات‌ها و دست پرورده‌های نظام در محوریت طالبان را با اصطکاک کمتری ممکن سازد.

پی‌آمد های آنی تسلط طالبان و هژمونی تنوکراسی در جغرافیای افغانستان، در کنار از دست رفتن آزادی های دموکراتیک نیم بند چیزی نیست جز بی‌حقوقی کامل زنان در همه عرصه های اجتماعی؛ چیزی که امپریالیسم امریکا تهاجم نظامی اش در بیست سال قبل را با آن‌ها توجیه می‌کرد. وضعیت شدیداً ناهنجار و هولناک و ضدانسانی جاری در افغانستان ماهیت کره دموکراسی بورژوایی، نهادها، مجامع حقوق بشری و «مدنیت» و یا در واقع بربریت ناشی از این سیستم را که این چنین جان، شأن و حرمت انسان‌ها را تابع منافع آزمندانه خود ساخته است، یک بار دیگر و به عربان‌ترین شکل ممکن به نمایش گذاشت؛ حوادث المناک این چند روز اخیر و سلطه وحوش طالب با کمک و زمینه سازی قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری و حامیان منطقه‌یی شان بی‌پایه بودن توهم خام فعالان جامعه مدنی و عده‌یی از روشنفکران چپ را که فکر می‌کردند با اتکاء به نیروها و نهادهای بورژوایی می‌توان از شر طالبان نجات یافت عمیقاً به اثبات رسانید. تجربه زیسته مردم افغانستان و تراژیدی و بربریت رواداشته شده و جاری بر آن‌ها بیان آشکاری از این حقیقت تلخ است که سرمایه‌داری جهانی و قدرت‌های امپریالیستی علاوه بر برپایی جنگ‌های خونین، استثمار و تحمیل نابرابری و فقر تا چه حد نسبت به هستی، رفاه و آزادی کارگران و مردم فرودست بی‌اعتنا هستند و برای تحقق استراتژی و تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خود آن‌ها را به نیستی و تباهی می‌کشاند.

هرچند سلطه سیاه طالبان برای جنبش برابری طلب، آزادی خواه و ضد سرمایه‌داری طبقه کارگر و کل مردمان فرودست و آزادی خواه اعم از زن و مرد دهشتناک است و عقب‌گردهای زیادی را در همه عرصه‌ها بر جامعه تحمیل می‌کند، اما چنان که می‌بینیم قرار نیست که مردم مرعوب و به تمکین واداشته شوند؛ عصیان و اعتراض بی‌باکانه مردم به خصوص زنان و جوانان که از جان شان مایه می‌گذارند نشان می‌دهد که طالبان و حامیان شان به همین ساده‌گی نمی‌توانند رژیم استبدادی و باورهای عصرحجری شان را تحمیل نمایند. حاکمیت این نیروی فاشیستی و حامیان جهانی آن دیر یا زود با جنبش های اجتماعی اعتراضی، حق طلب و رادیکال از آن میان

جنبش طبقه کارگر، زنان و جوانان و همه مزدبگیران در گستره جامعه مواجه خواهند گشت. اگر امروز متاع «امنیت» در حقیقت استبداد عریان را در صدر اولویت‌های مردم قالب نمایند، بدون شک دیر یا زود با جنبش و مطالبات رفاهی مردم از جمله خواست نان، کار و حقوق دموکراتیک مواجه هستند؛ جنبش نان، کار و آزادی آن سیل بنیان کنی خواهد شد که بساط همه نیروهای بورژوازی و حامیان شان را در گستره اجتماع بر خواهد چید.

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان طالبان و جریان‌های اسلامی از این دست را نه صرفاً محصول جهالت، عقاید دینی و عقب‌مانده‌گی مردم بلکه آن را بخشی از نیروهای بورژوازی در مناسبات کاپیتالیستی حاکم بر جهان و فرآورده آن می‌داند. بر مبنای یک چنین تحلیل و برداشتی است که همواره به همه نیروهای انقلابی و برابری طلب فراخوان داده و می‌دهد که مبنای قضاوت شان را نه ظاهر و یال و کوپال این نیروها بل کارکرد و نقشی که در متن کل ساختار و سیستم حاکم دارند و منافی که دنبال می‌کنند قرار دهند؛ برانداختن و به زیر کشیدن حاکمیت سیاه طالبان که در شکل و فرم امارت اسلامی سرمایه قرار است بر گرده مردم تحمیل گردد، با سازمانیابی و تحزب سوسیالیستی طبقه کارگر و همه مزدبگیران در همراهی و همسویی با جنبش‌های ترقی‌خواه و برابری طلب دیگر می‌تواند ممکن و میسر گردد.

ما همچنان بر این باور هستیم که تسلط طالبان بر سرنوشت مردم به هیچ وجهی به ساده‌گی استیلای آنها بر جغرافیای افغانستان نخواهد بود. ما باور داریم که با هرچه تنگ‌تر شدن حدود آزادی‌ها و گسترش اختناق، مقاومت در برابر طالبان بیشتر شکل گرفته و با انسجام بیشتر گسترش می‌یابد. هیچ تردیدی در پیروزی نهایی کارگران و فرودستان در برابر جنایت کاران طالب و حامیان بین‌المللی آنها نداریم.

نابود باد طالبان و حامیان آنها!

مرگ بر سرمایه‌داری!

زنده باد سوسیالیسم!

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

۲۸ اسد ۱۴۰۰؛ ۱۹ اگست ۲۰۲۱